

صادق هدایت و ساختمان

سه‌د لطفی

(دانشجوی دوره دکتری شهرسازی،

دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران)

شماره ۳۷ مکرر،

خیابان شامپیونه

این مقاله همان طور که در متن آن نیز اشاره شده، در چند مرحله و طی حدود دو سال تهیه شده است. در انجام مراحل مختلف این پژوهش، نگارنده از کمک، مهربانی و بزرگواری دوستانی برخوردار بوده است و بدین وسیله مراتب قدرشناسی خود را از ایشان ابراز می‌نماید.

حدود پنجاه و پنج سال از مرگ صادق هدایت، نویسنده بزرگ تاریخ ادبیات معاصر ایران در پاریس و در ساختمان شماره ۳۷ مکرر خیابان شامپیونه می‌گذرد. این که «هدایت که بود و چه کرد؟»، دستمایه بسیاری از مقالات و کتاب‌ها بوده است و این که حق مطلب چقدر ادا شده، مجال دیگری را می‌خواهد. آن چه در این مقاله بیش از همه مدنظر نگارنده قرار داشته، بررسی تاریخی چگونگی شکل‌گیری بخشی از شهر پاریس است که زمانی مرگ هدایت در آن اتفاق افتاد. با بررسی مدارک موجود در این باره، سعی بر تشریح دوره‌ای خاص از شهرسازی و رفع ابهامات و تعدد آراء درباره مکان و نحوه مرگ این نابغه ادبیات ایران بوده است؛ این که «خیابان شامپیونه و ساختمان شماره ۳۷ مکرر در کجاست؟ چگونه پدیدار شده؟ هدایت کی به آن رسیده و روزهای آخر زندگی‌اش چطور گذشته است؟». باشد که این مختصر، بررسی گوشه‌ای از تاریخ شهری پاریس و ادبیات معاصر ایران را به هم پیوند زند و مایه روشن شدن دوره‌ای از زندگی هدایت باشد که «روی هم رفته تاریک مانده است» (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۹).

یک روز یکشنبه بارانی، بیرون آمدن از دهانه ایستگاه متروی سمپلون^۱ و پا گذاشتن در

بولوار ارنانو^۱ در محله هجدهم پاریس، پشت (یا شمال) تپه مونمارتر^۲، و نگاهی به دور و بر برای یافتن جهت. خیابان خیس از باران و بساط بازار روزی که پیاده‌رو را تنگ جلوه می‌دهد و فروشنده‌ها و مشتریانی که اکثراً فرانسوی الاصل نیستند و عرب تبارند و فوری متوجه می‌شوی که در محله‌ای «محقّر» قرار گرفته‌ای. تا رسیدن به میدان کان^۳ و خیابان شامپیونه^۴ پنج دقیقه‌ای طول می‌کشد. به دنبال پلاک ۳۷ مکرر، باید به سمت راست و به شرق پیچید و کم‌کم ردیف ساختمان‌های ۳۳ تا ۴۱ نمایان می‌شود و ساختمان ۳۷ مکرر که به تازگی رنگ شده و سفیدی‌اش آن را از خاکستری چرک ساختمان‌های هم شکل مجاور متمایز می‌کند.

صادق هدایت و سفر بی‌بازگشت

صادق هدایت در سوم دسامبر ۱۹۵۰ میلادی (کاتوزیان، ۱۳۷۲) و یا ۱۲ آذر ۱۳۲۹ شمسی (جمشیدی، ۱۳۷۳) پس از توقیف کوتاه در ژنو در دی ماه ۱۳۲۹ (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۷۳)، وارد پاریس شد^۵ تا آخرین سفرش را آغاز کند؛ «سفری بی‌بازگشت^۶» یا شاید هم «بهاری^۷». اولین جایی که در آن اقامت می‌کند، هتلی است در کوچه دالامبر^۸ در محله چهاردهم به نام هتل دژکل^۹ (فرزانه، ۱۳۷۲، ص. ۱۸۱). می‌دانیم که هدایت مدتها تلاش کرده بود تا بتواند به این مسافرت برود و در بسیاری از مطالبی که پس از مرگ او به رشته تحریر در آمده این سفر را اقدامی «هوشیارانه» و به میل و اراده خود، برای دست زدن به یک خودکشی از پیش تعیین شده و «سنجیده» دانسته‌اند (قائمیان، ۱۳۴۳، ص. ۱۴۹) و (مونتسی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۳). اینکه هدایت توجهی به دسته شکسته عینکش ندارد (فرزانه، ۱۳۷۲، ص. ۲۲۶)، برای معالجه به پزشک مراجعه نمی‌کند (دهباشی، ۱۳۸۰، ص. ۷۳۰) و مدعی است که در مُلک خاج پرستان خانه آخرتی برای خود زیر سر گذاشته است (همان) را دلایلی برای این انتخاب آگاهانه شمرده‌اند؛ انتخاب خودکشی به عنوان «آخرین اعتراض» و «فریاد عدم انقیاد» (آرین پور، ۱۳۸۰، ص. ۳۴). این که چرا هدایت برای این سفر آخر، پاریس را انتخاب کرده بود هم موضوع اظهار نظرهایی

1 - Ornano

2 - Montmartre

3 - Kahn

4 - Championnet

۵ - سوم دسامبر ۱۹۵۰، (کاتوزیان، ۱۳۷۲).

۶ - مرحوم سیدابوالقاسم انجوی شیرازی، از این سفر هدایت این چنین یاد کرده است.

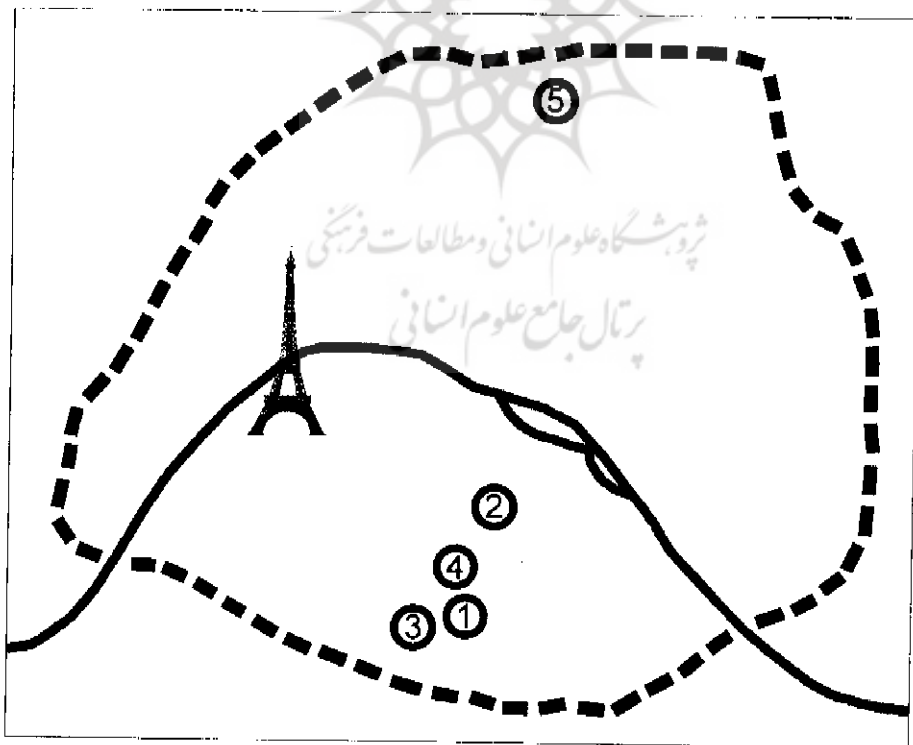
۷ - اشاره به عنوان فیلمی که در سال ۱۳۵۵ توسط کیومرث درم بخش ساخته شد.

8 - Rue d' Alembert

9 - Hôtel des Ecoles



● مهندس سهند اطفی



شکل ۱- تغییر مکان های اقامت هدایت در «سفر بی بازگشت».

بوده است. هدایت عاشق پاریس بود، تهران را لایق خودکشی نمی دانست و یا دوست نداشت که سرزمین آریایی اجداد خود را به خون خویش بیالاید (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص. ۱۶۹). باز گفته اند که «شرح افسردگی و ناراحتی شدید هدایت در چند سال آخر عمرش دال بر این نیست که او با تصمیم قبلی به پاریس رفته بود که خودکشی کند... و او امیدوار بود که به «محکومیت قبی آلود» خود در آن محیط [ایران] پایان دهد و در اروپا بماند» (همان). و نیز این که او قصد «فرار» داشت، نه خودکشی و چون راه فرار را مسدود یافت، مجبور به خودکشی گردید (همان، ص. ۱۷۰).

به هر حال هدایت وارد پاریس شده، با یک مرخصی استعلاجی چهار ماهه، مدت اقامت چند ماهه او در پاریس با یک مسافرت و ۵ بار تغییر محل اقامت همراه است (شکل ۱). او پس از هتل دژکل به ترتیب به هتل دمین^۱ در بولوار سن میشل^۲، هتل فلوریدا^۳ در خیابان ژنرال لوکلر^۴، هتلی در دانفر - روشرو^۵ و نهایتاً به ساختمان شماره ۳۷ مکرر خیابان شامپیونه که موضوع این مقاله است، می رود. مسافرت او هم در اسفند ماه ۱۳۲۹ درست قبل از عید نوروز، به مقصد هامبورگ و برای دیدن دوستی انجام گرفت. زمان وقوع این مسافرت بعد از اقامت در هتل دمین است (فرزانه، ۱۳۷۲، ص ۲۱۳).

هدف از این پژوهش

راجع به مرگ هدایت و روزه‌های آخر عمر او مطالب بسیاری گفته و منتشر شده است که در ادامه هم از برخی از آنها استفاده خواهیم کرد؛ ولی موضوع این مقاله بیشتر به مکان مرگ هدایت و یا همان ساختمان شماره ۳۷ مکرر خیابان شامپیونه باز می‌گردد و هدف نگارنده، در اختیار گذاشتن یافته‌ها و تحلیلی است که می‌تواند سرنوشت این نویسنده بزرگ ایرانی را به جهت اسنادی، شفاف‌تر سازد.

این که چرا به این موضوع پرداخته‌ایم، دو دلیل اصلی دارد:

دلیل اول، به آغاز این پژوهش باز می‌گردد. به عنوان دانشجوی شهرسازی، می‌بایست یک بلوک شهری را در پاریس انتخاب و به کمک منابع موجود در آرشیو معظم شهر پاریس^۶

1 - Hôtel des Mines

2 - Boulevard Saint - Michel

3 - Hôtel Floride

4 - Avenue du Général Leclerc

5 - Denfert - Rochereau

۶- در سال ۱۷۹۶ در سراسر فرانسه آرشیوهای استانی (Départemental) تشکیل گردید. سال ۱۸۰۳، آرشیو پاریس در ساختمان شهرداری مستقر شد و بخش جدیدی هم بعدها و در سال ۱۸۶۰ به آن منضم

مقاله‌ای تهیه می‌کردیم. منابع موجود در آرشیو مذکور، بی‌نهایت گرانها و ارزشمند است. هر کس پس از عضو شدن می‌تواند به مدارک بسیاری که راجع به یک کوچه، خیابان و یک پلاک شهری از ابتدای پیدایش آن تاده‌های اول قرن بیستم وجود دارد دست یابد. این مدارک شامل پروانه‌های ساختمانی، اسناد شهرسازی، فهرست‌های مالیاتی، آگهی‌های رسمی، نامه‌نگاری‌های اداری و... می‌شود و البته می‌باید شکیبایی داشت و از میان انبوه اسناد، توشه‌ای در خور نیازگرد آورد. هر چند در چهارچوب درس دانشگاه، هدف از این تحقیق انجام پژوهشی برای بهتر شناختن شرایط شهری پاریس صنعتی قرن نوزدهم بود؛ ولی به نظر می‌آمد که این تنها فرصت برای انجام چنین تحقیقی درباره نویسنده بزرگ ایران است (و درست در صدمین سال تولدش بودیم)؛ به همین دلیل تصمیم بر این شد که توجه به ساختمان شماره ۳۷ مکز معطوف و شاید یک بار برای همیشه آن چه راجع به خیابان شامپیونه و این ساختمان از اسناد و مدارک قدیمی قابل جمع‌آوری است در قالب مطلبی مختصر عرضه گردد. حاصل کار اولیه با توافق استاد درس^۱، تبدیل به «مقاله گونه» ای گردید کوتاه، ولی همین مطلب راه را بر تهیه مقاله‌ای کامل‌تر هموار و عزم را افزون ساخت.

دلیل دوم، این که با تحقیق و مطالعه منابع موجود درباره زندگی و مرگ صادق هدایت، این ظن اولیه تقویت و تأیید شد که راجع به مرگ هدایت، تاریخ، زمان، مکان و جزئیات این مسئله، حرف‌های متفاوت زیادی گفته شده و تنها بر سر دو مورد خودکشی و آن هم با گاز، اتفاق نظر نسبی وجود دارد. پس قرار بر این شد که در خلال انجام این پژوهش، علاوه بر روایت آنچه درباره «مکان» مرگ هدایت از قبل تا روزگار او در اسناد و مدارک شهر پاریس یافت می‌شود، درست‌ترین شواهد هم از لابه لای منابع استخراج و در کنار مدارک آرشیو ارائه گردد.

۳۳۴

گردید که در خیابان Victoria واقع بود. در ۲۲ مه ۱۸۷۱، همزمان با قیام‌های مردمی برای تشکیل جمهوری سوم (Troisième République)، ساختمان‌های شهرداری، خیابان ویکتوریا و کاخ دادگستری به آتش کشیده شد و بخش عمده‌ای از اسناد مربوط به قبل از سال ۱۸۶۰ از میان رفت. در سال ۱۸۷۸، آرشیو پاریس احیاء گردید و این بار به ساختمانی نوساز در بارانداز Henri IV انتقال یافت. سرانجام در سال ۱۹۹۰ بود که ساختمان جدیدی در Porte des Lilas احداث شد و از آن زمان به بعد آرشیو پاریس در این مکان مستقر است. طراحان این ساختمان جدید، Henri Gaudin و Bruno Gaudin هستند.

1 - M. Francis DEMIER, Histoire de la grande ville a l'époque contemporaine, Université Paris X, Juin 2003.

خیابان شامپیونه و ساختمان شماره ۳۷ مکرر، تاریخچه «مکان» مرگ هدایت

برمی‌گردیم به صد و پنجاه سال قبل. کسانی که به تاریخ شهر و شهرسازی علاقه دارند، می‌دانند که در زمان حکومت ناپلئون سوم، تغییرات گسترده‌ای در کل شهر پاریس و به دست فرماندار مشهور ایالت سن^۱ یعنی بارون ژرژ - اوژن هوسمان^۲ به وقوع پیوست. کشیدن بولوارها و ساختن ایستگاه‌های قطار و پارک‌ها و... همه در زمره این اقدامات قرار دارند. ولی از کارهای دیگری که در همین دوره به انجام رسید و شباهتی با آنچه در تهران دوره ناصری افتاد دارد - جا بجا کردن حصار تاریخی شهر پاریس و منضم ساختن برخی روستاها و شهرک‌های اطراف^۳ به شهر و ایجاد «محله»های جدید برای شهر پاریس بود. این پروژه به پروژه «پاریس بزرگ»^۴ مشهور است. در همین زمان است که یازده شهرک و دهکده حاشیه‌ای به بدنه شهر پاریس متصل و جزئی از شهر می‌شوند؛ دهکده‌هایی چون مونمارتر، پسی^۵، بتیئول^۶ و... (Rauzy, 2002). به موازات این حرکت، اقدامات عمرانی جهت تطبیق شرایط این گوشواره‌های جدید با شهر اصلی آغاز شد. قانون مربوط به پروژه پاریس بزرگ در ماه نوامبر ۱۸۵۹ به تصویب رسید ولی اقدامات اولیه برای ایجاد محورهای جدید اندکی قبل از این تاریخ، آغاز شده بود.

۳۳۵

طبق حکمی که تاریخ ۸ ژوئن ۱۸۵۸ را بر خود دارد، دستور به ساخت خیابان شامپیونه داده می‌شود. بنابراین حکم، محور جدید، دو خیابان پواسونیه^۷ و دمرمون^۸ را به هم متصل خواهد ساخت (فاصله‌ای در حدود ۱۱۰۰ متر)؛ منتهی‌الیه شرقی این محور همان بخشی از خیابان شامپیونه گردید که بعدها ساختمان شماره ۳۷ مکرر در آن احداث شد. پس از تصویب قانون ۱۸۵۹، خیابان شامپیونه جزء طبقه‌بندی رسمی خیابان‌های پاریس قرار می‌گیرد و حکم ۲۳ می ۱۸۶۳ راه‌های دهکده‌های سابق مونمارتر، بتینیول و سنترآن^۹ را در این طبقه‌بندی قرار می‌دهد. البته نکته‌ای که درباره کل خیابانی که امروز به نام شامپیونه در پاریس وجود دارد این است که این خیابان با طولی در حدود دو کیلومتر و نیم، به تدریج و با تملک اراضی خصوصی و تخریب برخی ابنیه در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم شکل گرفته است. به موضوع ایجاد خیابان

1 - Préfet de la Seine

2 - Baron Georges - Eugène Haussmann

3 - Communes

4 - Le Grand Paris

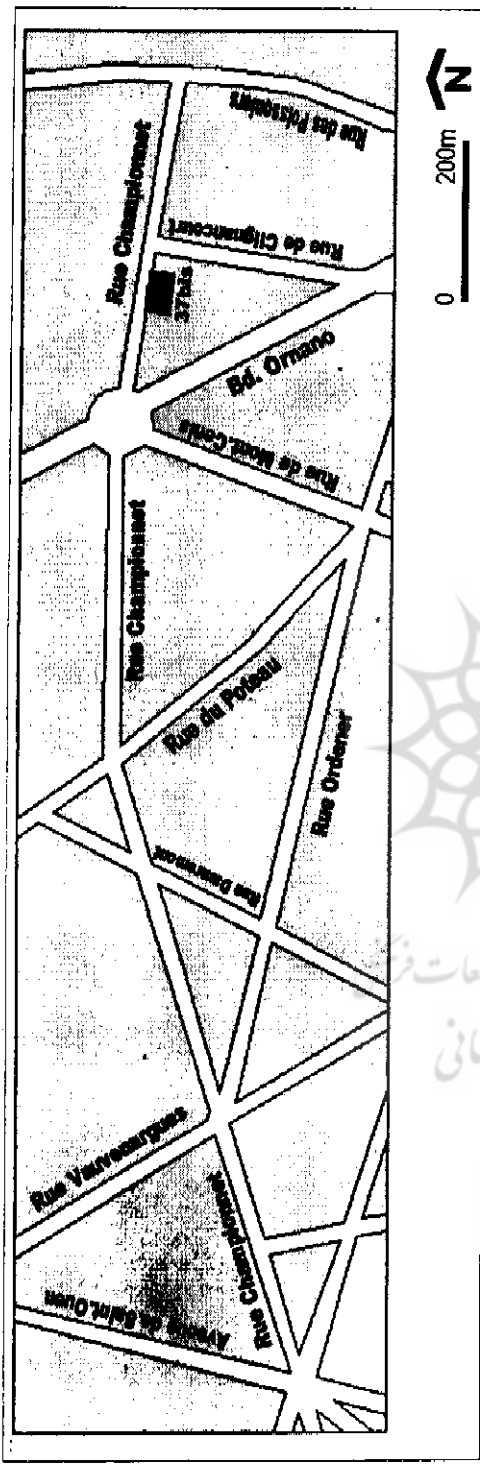
5 - Passy

6 - Les Batignolles

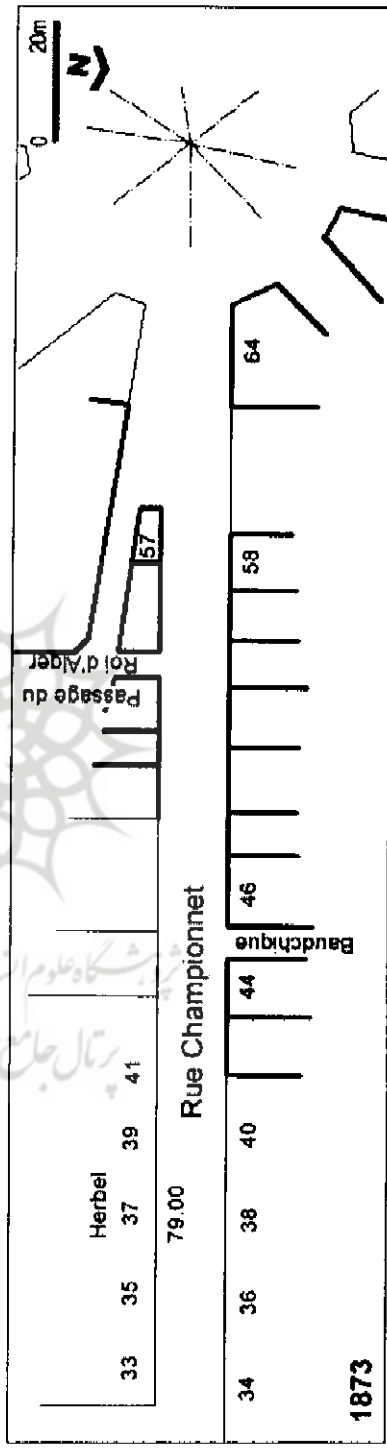
7 - Poissonniers

8 - Damrémont

9 - Saint - Ouen



شکل ۲- خیابان شامپیونه به طول تقریبی دو و نیم کیلومتر، به تدریج و با شکل گیری «پارس بزرگ» ایجاد شد.



شکل ۳- بازه ی مورد نظر مقاله در سال ۱۸۷۳ دارای قطعه زمین های ساخته نشده زیادی است. فلکه ای که در سمت راست در حال شکل گیری است، بعدها میدان کان Place Kahn نامیده شد.

شامپیونه در آگهی شماره ۵۶۳۶ روزنامه رسمی پاریس به تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۸۷۹ نیز برمی‌خوریم. در این آگهی آمده: «براساس بندهای ۶، ۱۵ و ۲۳ قانون ۱۸۴۱ که پیرو توافقنامه‌های امضاء شده در محضر آقایان وکلا Mocquard و Gentien به تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۸۷۴ و Mahot و Gentien به تاریخ ۲ مه و ۴ ژوئن ۱۸۷۸، تنظیم شده است، آقای Alexandre Lantiez و همسر ایشان خانم Hélène Vincent که در پاریس و نشانی خیابان لافایت^۱، پلاک ۳۸ ساکن‌اند، قسمتی از یک قطعه زمین را برای استفاده کاربری‌های عمومی به «شهر پاریس»^۲ واگذار کرده‌اند [عقب‌نشینی برای احداث محور جدید]. مساحت این قطعه تقریباً ۳۴۸ متر و ۵۶ سانتی متر مربع است^۳ و در محله هجدهم پاریس قرار دارد [...] این قطعه که به شکل پنج ضلعی است، از دو طرف به ملک آقای Ruggiéri و از یک طرف هم به ملک آقای Aubert محدود می‌شود. دو ضلع دیگر، شامل ضلع شمال غربی به طول ۳۰ متر و ۵۳۱ میلی‌متر و ضلع جنوب شرقی به طول ۱۱ متر و ۶۳۹ میلی‌متر است. این قسمت برای ایجاد بخش جدید خیابان شامپیونه به تملک شهر پاریس در آمده و کلیه هزینه‌های احداث راه جدید و خسارت ناشی از تخریب بخشی از ساختمان موجود و عقب‌نشینی، بر عهده شهر پاریس خواهد بود. امضاء Picard به نمایندگی از شهر پاریس». چندی بعد باز در همین روزنامه آگهی دیگری به شماره ۷۳۱۱ و به همان امضاء منتشر شده که حکایت از تملک سه قطعه زمین دیگر برای ایجاد بخشی دیگر از خیابان شامپیونه بین خیابانهای سنتوآن و پوتو^۴ دارد (تاریخ این آگهی مشخص نشد). به نظر می‌آید که این دو آگهی، بخشی از سلسله آگهی‌های یک شکلی باشد که در آن مقطع و با پیشرفت تدریجی ایجاد این محور جدید (شکل ۲) منتشر می‌گردیده است.

به هر تقدیر خیابان شامپیونه به تدریج شکل گرفت و زمین‌های دو طرف آن تفکیک و

1 - Lafayette

۲- در تاریخ مذکور، که «پاریس بزرگ» در حال شکل گرفتن بود و زیر نظر فرمانداری سین اداره می‌شد، در تمام نامه‌نگاری‌ها و احکام صادره، زیر عنوان فرمانداری سن، عنوان «شهر پاریس» به چشم می‌خورد که به نوعی معادل «شهرداری پاریس» است. به لحاظ تاریخی، پاریس مدت کوتاهی شهردار هم داشت Etienne Arago (بین سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۱) ولی به علت تغییرات سیاسی و تنش‌های دوران سقوط امپراتوری دوم، پاریس هیچگاه تا قبل از سال ۱۹۷۷ شهردار دیگری به خود ندید (شهرداری Jaques Chirac). برای روان و متعارف بودن متن، از عبارت «شهرداری پاریس» استفاده می‌شود.

۳- با توجه به گرانی اراضی شهری، دقت به کار رفته قابل توجه و ستایش است.

4 - Potcau

DIRECTION ADMINISTRATIVE
des
SERVICES D'ARCHITECTURE
et des
PROMENADES ET PLANTATIONS
SERVICE
du
PLAN DE PARIS

RÉPUBLIQUE FRANÇAISE
LIBERTÉ - ÉGALITÉ - FRATERNITÉ

PREFECTURE DU DÉPARTEMENT DE LA SEINE

VILLE DE PARIS

11^e ARRONDISSEMENT

NOTE DE DÉROGATION
N^o 37 N^o 1445
Le 12 août 1911

RELEVEMENT VÉRIFIÉ
Paris le 12 août 1911
Le Secrétaire Général des Circulaires
Renvoyé à M. J. Janssens
pour rapport.
Paris, le 16 août 1911

N ^o d'ordre	0
de l'arrondissement	0
du Service des alignements	3577

Rue Championnet, n^o 37
M. Augé, propriétaire.

Alignement approuvé par St. du 8 juin 1858 (11. P.)

Largueur fixée à 14^m.00
Longueur de face du bâtiment, de la façade 8^m.92
— du mur de clôture
— de la clôture en planches.

Retranchement
Avancement Aligné

Cet alignement est déterminé par une ligne droite partant
à droite du vis de l'enseigne gauche de la
façade de la Championnet et correspondant à
gauche au vis de l'entre-soffite de la tête
du mur mitoyen entre la façade et 21-23.

Nota. Pas de projet étudié par le Service du Plan de P.

Paris, le _____ 1911

Paris, le 12 août 1911

Pour le Directeur Administratif
des Services d'Architecture et des Promenades
et Plantations :
Le Chef du BUREAU DES TRAITÉS ET ACQUISITIONS

Le Secrétaire EN CHEF DE LA VILLE DE PARIS

Julien

۳۳۸

شکل ۴- تأییدیه بر و کف ساختمان شماره ۳۷ مکرر خیابان شامپیونه که توسط کارشناس نقشه برداری شهرداری، شخصی به نام Julien یا Julius، تهیه شده است.



شکل ۵- «خانه های کارگری» شماره ۳۷ تا ۳۹ خیابان شامپیونه؛ خانه شماره ۳۷ مکرر، «سفید ترین» ساختمان این ردیف است. (عکس از نگارنده).

عملیات ساختمان سازی به سبک «شهری» نیز در آن آغاز شد. اولین اشاره‌ای که به طرح شماره گذاری پلاک‌های شهری خیابان شامپیون شده است، تاریخ ۲۸ فوریه سال ۱۸۷۳ را دارد. این تاریخ مستخرج از گزارش آقای A. Bernard [امضاً ناخواناست]، مهندس بخش امور عمومی زیر بخش هفتم از بخش دوم شهرداری پاریس است که از آشفتگی ناشی از شماره نداشتن ساختمان‌های «متعدد» واقع در دو طرف خیابان صحبت کرده و واگذاری پلاک را ضروری دانسته و نقشه‌ای را هم پیوست نموده است.

روی همین گزارش، نوشته دیگری موجود می‌باشد که انجام این عملیات را براساس دستورالعمل مورخ ۱۳ مه ۱۸۷۳ تأیید کرده است. در نقشه سال ۱۸۷۳ می‌توان دید که آن بخش از خیابان شامپیون که بین بولوار ارنانو و خیابان کلیانکور^۱ (بازۀ مورد نظر مقاله) قرار دارد، هنوز دارای قطعه زمین‌های ساخته نشده زیادی است (شکل ۳). در میان این قطعات و پس از اتمام عملیات شماره گذاری، پلاک‌های ۳۳ تا ۴۱ پس از «گذر (کوچه) شاه الجزیره آ» در جبهه جنوبی و پلاک‌های ۳۴ تا ۴۰ در جبهه شمالی قرار دارند و همه متعلق به شخصی به نام Herbel اند (ساختمان ۳۷ مکرر بعدها با تفکیک قطعه ۳۷ به دو پلاک در همین قسمت ایجاد می‌شود).

همزمان با پیشرفت روند شماره گذاری ساختمان‌ها و اراضی حاشیه خیابان، شهرداری پاریس به ایجاد برخی تجهیزات زیر بنایی برای خیابان شامپیون اقدام می‌نماید. کار نصب چراغ‌های گاز و تامین روشنایی معابر از ۲۴ اکتبر ۱۸۷۲ آغاز شده بود^۲. طرح احداث کانال زیرزمینی دفع فاضلاب (اگو) به تاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۸۲ باز می‌گردد. در سال ۱۸۷۹، اداره حمل و نقل شهری شهر پاریس^۴ (یا «کمپانی واگن‌های کوچک شهری») از شهرداری پاریس می‌خواهد تا محوطه‌ای را برای توقف واگن‌ها و درشکه‌ها در اختیار قرار دهد. زمینی که برای این منظور خریداری می‌شود، پلاک‌های ۳۸ تا ۴۰ خیابان شامپیون در جبهه شمالی و درست مقابل پلاک ۳۷ است. این همان جایی است که به «کمپانی^۵ شهرت می‌یابد و این که درباره محل خودکشی هدایت، ساختمان شماره ۳۷ مکرر را در کنار «کارخانه» ای گفته‌اند (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۷ - ۱۹۶)، احتمالاً بر همین مبنا بوده و از این «کمپانی» به «کارخانه» تعبیر گردیده است. سی، چهل سال می‌گذرد و به آغاز قرن بیستم می‌رسیم. در سال ۱۹۱۱ پیمانکاری پارسی به

1 - Clignancourt

2 - Passage du Roi d' Alger

۳- پس محله حدود هفتاد و هشت سال قبل از مرگ هدایت گازکشی می‌شود.

4 - CGDPV = la Compagnie Générale Des Petites Voitures

5 - Compagnie

نام Alexandre Auget که صاحب یک شرکت ساختمانی در خیابان دَمرمُون است، پلاک‌های ۳۷، ۳۷ مکرر، ۳۹ و ۳۹ مکرر خیابان شامپیونه را می‌خرد و برای احداث ساختمان، تقاضای پروانه ساختمانی می‌کند. در سال ۱۹۰۲، قانون ارتفاع مجاز و نمای ساختمان‌ها برای پاریس تصویب شده بود؛ بدین ترتیب هر کس که تقاضای پروانه ساختمانی می‌کرد، ابتدا می‌بایست تأیید نقشه‌بردار شهرداری را اخذ نماید. در این تأییدیه مقدار عقب‌نشینی، پیش‌آمدگی، ارتفاع مجاز بنا و بر قانونی آن ذکر می‌گردید. پس از این مرحله، مهندس ناظر شهرداری اقدام به بررسی پرونده و نقشه‌های پیشنهادی می‌کرد و مراحل صدور مجوز طی می‌شد. سند موجود در این باره به تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۱۱ توسط یک نقشه‌بردار ارشد شهرداری پاریس به امضاء رسیده (امضاء Julien یا Julius است) (تصویر ۴) و براساس آن مشخص است که امتداد خارجی ساختمان شماره ۳۷ مکرر طبق بر مصوب سال ۱۸۵۸ (زمان گشایش خیابان) مورد بررسی قرار گرفته و تأیید گردیده است. بر مجاز با قید ۶ طبقه، ۸ متر و ۹۲ سانتی‌متر و ضلع دیگر ۱۴ متر تعیین شده و زمین در محدوده هیچ طرح شهری قرار ندارد. این گزارش در تاریخ ۱۶ اوت ۱۹۱۱ برای مهندس ناظر شهرداری منطقه هجدهم پاریس، آقای Gravercaux فرستاده می‌شود.

گزارش آقای Gravercaux پس از بررسی محل و نقشه‌های ارائه شده توسط مالک، درباره ساختمان ۳۷ مکرر به تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۱۱ نشان می‌دهد که ملک هنوز به صورت زمین بوده و دارای اعیان نشده است. این گزارش به همراه پیوستی که امضای همین آقای Gravercaux و تأیید مقام ریاست مهندسين ناظر را دارد در تاریخ ۱۹ اوت ۱۹۱۱ دلایلی را دال بر نقض ضوابط شهرداری ارائه و پیشنهاد رد درخواست آقای Auget را مطرح می‌نماید. دلایل ارائه شده از این قرارند:

۱ - نقشه‌های پیشنهادی کامل نیست. (فاقد جزئیات اجرایی) ۲ - ارتفاع نمای رو به خیابان ساختمان، در طرح پیشنهادی بلندتر از حد مجاز است. ۳ - مساحت حیاط‌های مشترک و نورگیرها کمتر از حداقل قانونی است. ۴ - فضاهای مسکونی و سرویس‌های بهداشتی نه تهویه مناسب دارند و نه از بیرون نور کافی دریافت می‌کنند. ۵ - دودکش‌های ساختمان و لوله‌های بخاری بر طبق ضوابط طراحی نشده‌اند. در ادامه پیگیری جریان اداری پرونده و انجام مراحل تجدیدنظر، دوبار دیگر هم رای صادر می‌شود. در رای دوم، نظر مهندس دیگری به نام Ehreny [امضاء ناخواناست] آمده که گویای انجام پاره‌ای اصلاحات در طرح قبلی است. طبق این نظر که در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۱ امضاء گردیده، ایراد سوم که همان کافی نبودن مساحت حیاط‌های مشترک و نورگیرهاست هنوز به جای خود باقی است. طرح دوباره مردود اعلام و هرگونه تغییر رای به انعقاد قرارداد ایجاد حیاط مشترک براساس ضوابط شهرداری منوط می‌گردد. رای سوم به

DIRECTION ADMINISTRATIVE
DES
SERVICES D'ARCHITECTURE
ET DES
PROMENADES ET PLANTATIONS

RÉPUBLIQUE FRANÇAISE
LÉONARD - SALETTE - PRATHEUX

PRÉFECTURE DU DÉPARTEMENT DE LA SEINE

DÉCRET
DES
Alignements et des Promenades
et Plantations

VILLE DE PARIS

AUTORISATION DE CONSTRUIRE

NOTE

Commune situés sur Champannet
37 à 39
Cours pour cour commun
N° 2027

Le soussigné a l'honneur d'adresser à Monsieur

le Géomètre en chef
l'Architecte-Voyer
du 18^e arrondissement,

une expédition, avec plan, du contrat passé le 23 Novembre 1911
devant M^r de La Querantonnois et son collègue, notaires à Paris,
par lequel MM. Auget

se sont engagés à maintenir à l'état de cour commune, un terrain dépendant des
propriétés situés à Paris, rue Champannet : 37 à 39

Paris, le 10 Février 1912

LE CHIEF DU BUREAU DES ALIGNEMENTS
ET DES PROMENADES ET PLANTATIONS

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Imp. Mamey (ancien Poiré) de N. 1 - 1000431

۳۴۲

شکل ۶- نامه ریاست دفتر «معايير و فضای سبز» شهرداری به مهندس ناظر و نقشه بردار ارشد محله هجدهم پاریس که طی آن صحت تعهد و قرارداد منعقد توسط آقای Auget، مالک قطعات ۳۷ تا ۳۹ خیابان شامپیونه، مبنی بر ایجاد و حفظ حیاط مشترک طبق ضوابط و مقررات، تأیید گردیده است.

تاریخ ۳۱ سپتامبر ۱۹۱۱ صادر و همان امضای Gravreaux را دارد و در آن صریحاً اظهار شده که چون قرارداد مذکور «در حال» تهیه و تنظیم می‌باشد، با تقاضای مالک برای ساخت بنا موافقت می‌گردد. نهایتاً پروانه ساختمانی به اسم آقای Auger در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۱۱ صادر و کار احداث ساختمان‌ها براساس نقشه پیشنهادی مالک آغاز می‌گردد. آقای Auger طی نامه‌ای که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱ برای دفتر «معاير و فضای سبز» شهرداری پاریس می‌نویسد، توضیحاتی را در همین زمینه از جانب خود و آرشیوکت مسئول اجرای طرح ارائه نموده است. قرارداد ایجاد حیاط‌های مشترک طبق ضوابط و مقررات، در تاریخ ۲۳ نوامبر برای پلاک‌های ۳۷ تا ۳۹ منعقد و مراتب طی قرارداد شماره ۲۰۲۷ «دفتر معاير و فضای سبز» شهر پاریس که توسط ریاست این دفتر امضاء شده تأیید می‌گردد؛ این نامه تاریخ ۱۰ می ۱۹۱۲ را بر خود دارد (تصویر ۵).

طبق نقشه پیشنهادی مالک، چهار ساختمان هم شکل در قطعات ۳۷ تا ۳۹ ایجاد می‌شود که رسماً نام «خانه‌های کارگری ۲» بر آن نهاده شده و به لحاظ گونه‌شناسی، نوعی ساده شده از بناهای هوسمانی پاریس است؛ ساختمانهای شش طبقه که طبقه آخر را اتاق‌های زیرشیروانی تشکیل می‌دهد (شکل ۶) و در هر طبقه دو «ستودیو ۲» یا آپارتمان کوچک با آشپزخانه و سرویس بهداشتی قرار دارد. یک نورگیر (بین ساختمان ۳۷ مکزور و ۳۹) و دو حیاط مرکزی (بین ساختمان‌های ۳۷ و ۳۹ مکزور و ۳۹ مکرر) هم، نور و هوای بخشی از ساختمان‌ها را تامین می‌کند (شکل ۷). طبق مدارک موجود، سرانجام در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۱۲ (شب سال نوی ۱۹۱۳ میلادی)، پایان کار ساختمان‌ها تأیید و به همراه پروانه ساختمانی به بایگانی سپرده می‌شود. ساختمان ۳۷ مکزور خیابان شامپیونه، سی و هشت سال و سه ماه و هشت روز قبل از مرگ هدایت ساخته شده و هدایت در این زمان ده ساله بوده است.

خواست یا تقدیر؟

چه شد که صادق هدایت سر از ساختمان ۳۷ مکزور خیابان شامپیونه در آورد؟ هدایت سال‌ها قبل تصویری شبیه آنچه پلیس فرانسه در روز دهم آوریل ۱۹۵۱ با آن مواجه شد را ترسیم کرده بود. «زنده به گور» هر گونه ترفندی را برای پایان دادن به «زندگی سمج» خود می‌آزماید. آیا این خودکشی با تصمیم قبلی صورت گرفت؟ «نه کسی تصمیم خودکشی را نمی‌گیرد، خودکشی با

1 - Bureau des Alignements et des Promenades et Plantations

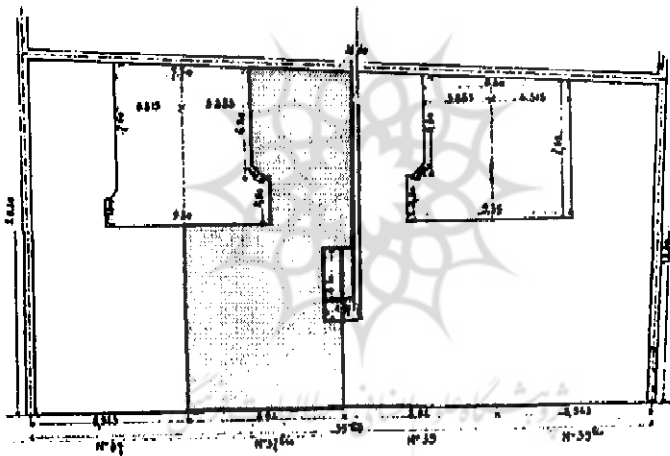
2 - Maisons Ouvrières

3 - Studio

11 26 28 Michel
M^r AUGET

Propriété de Monsieur Auget
37 37bis 39 39bis Rue Championnet

<i>Casa commune entre les n^{os} 37 et 39</i>	<i>Commune entre les n^{os} 37 et 39</i>	<i>Casa commune entre les n^{os} 37 et 39</i>
Surface au 37 33.80	Calc 37bis 4 ^m	Surface au 39 33.80
do au 39bis 36.45	Calc 39 4 ^m	do au 37bis 36.45
Total 70.25	Total 8 ^m	Total 68.70



Rue Championnet

۳۴۴



شکل ۷- ملک آقای Auget که به چهار قواره تفکیک و ساختمان های شماره ۳۷، ۳۷ مکرر، ۳۹ و ۳۹ مکرر خیابان شامپیونه با دو حیاط مشترک و نورگیر مرکزی در آن ساخته شد؛ پلان اصلی و اندازه گذاری. ساختمان شماره ۳۷ مکرر پررنگ تر نمایش داده شده است.

بعضی‌ها هست. در خمیره و در سرشت آنهاست، نمی‌توانند از دستش بگریزند. این سرنوشت است که فرمانروائی دارد ولی در همین حال این من هستم که سرنوشت خودم را درست کرده‌ام، حالا دیگر نمی‌توانم از دستش بگریزم، نمی‌توانم از خودم فرار بکنم. باری چه می‌شود کرد؟ سرنوشت پُرزورتر از من است» (هدایت، ۱۳۴۴، ص. ۱۲). و هدایت به دنبال سرنوشت به پاریس وارد شد. شرایط طوری ایجاب می‌کند که هدایت چندین بار مجبور به تغییر محل اقامت خود می‌شود. دوره اقامت هدایت در پاریس با عیادت مداوم از دکتر شهید نورائی بیمار که مدتهاست در حال احتضار است می‌گذرد و هدایت از این دیدارها دل خوشی ندارد (فرزانه، ۱۳۷۲) و (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۷۲). هدایت همچنین با دوستانی چون ابوالقاسم انجوی شیرازی و م. ف. فرزانه دیدارهای متعددی دارد. در همین دیدارها و گشت و گذارهای روزانه در گوشه و کنار پاریس است که هدایت به دنبال «قتلگاه خود»^۱ می‌گردد (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۷۳ - ۱۷۲) و این قتلگاه می‌تواند اتاقی دنج باشد. مجهز به گاز شهری؛ آخر «خودکشی با گاز آسانترین نوع خودکشی هاست»^۲، بدون رنجی و عذابی (موتنی، ۱۳۸۲). هدایت بی‌قرار است و دائم به دنبال یافتن مکانی «مناسب» برای افکندن رحل اقامت. هدایت و فرزانه ضمن گردش در محله هجدهم پاریس با شخصی به نام «زینگر» برخورد می‌کنند. هدایت از تهران با او آشنایی داشته و ابراز می‌کند که به دنبال آپارتمان کوچکی است مجهز به اجاق گاز (فرزانه، ۱۳۷۲، ص. ۲۳۴). هدایت در همین دوره برای یافتن یک اتاق دارای گاز شهری، اقدام به انتشار آگهی در روزنامه فیگارو^۳ (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۲۳۴) یا لوموند^۴ (دهباشی، ۱۳۸۰، ص. ۶۱۵ - ۶۱۴) می‌کند و اولین جایی را که می‌یابد، همان آپارتمان خیابان شامپیونه و مکان «دلخواه» است (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۲۳۵ - ۲۳۴). بعدها چهارنامه به آخرین نشانی هدایت قبل از نقل مکان به خیابان شامپیونه، یعنی هتل دانفرورشر و اصل می‌شود که همه پیشنهاد اجاره آپارتمان و ستودیوهایی است در پاریس، حومه و شهر شارتر در صد کیلومتری پاریس (همان). آیا هدایت ساختمان شماره ۳۷ مکرر را از قبل می‌شناخت؟ عکسی هست که هدایت را به همراه دو دوست دیگر نشان می‌دهد به وقت اقامت اول او در فرانسه (۱۳۰۹ - ۱۳۰۵)، نشسته در پیاده روی کافه‌ای در پاریس و در کنار آن هم ورودی یک ساختمان دیده می‌شود. در زیر

۱- شاید به لحاظ لغوی، «قتلگاه» کمی خشن و اغراق‌آمیز باشد، ولی همان است که در منبع مورد استفاده آمده.

۲- جمله‌ای که هدایت پانزده سال قبل از مرگ خود، خطاب به دوستی ادا کرده بود.

ساختمان شماره ۳۷ مکرز خیابان شامپیونه هم کافه‌ای هست که گاه گاهی باز است و اگر هوا خوب باشد، صندلی‌هایی را هم در پیاده رو می‌گذارند برای مشتری‌ها. بررسی اولیه عکس هدایت این آرزو را پدید آورد که کاش این همان ساختمان ۳۷ مکرز باشد و مکانی دیر آشنا برای «زنده به گور»ی غریب. در مرحله بعد که مقایسه دقیق‌تری بین این عکس و عکسی که از امروز ساختمان برداشته شده بود انجام گرفت، هر چند یکی نبودن دو مکان به اثبات رسید، اما گمان وجود شناخت قبلی هدایت از این محله و حتی از این بنا، همچنان به قوت خود باقی ماند (شکل ۸).

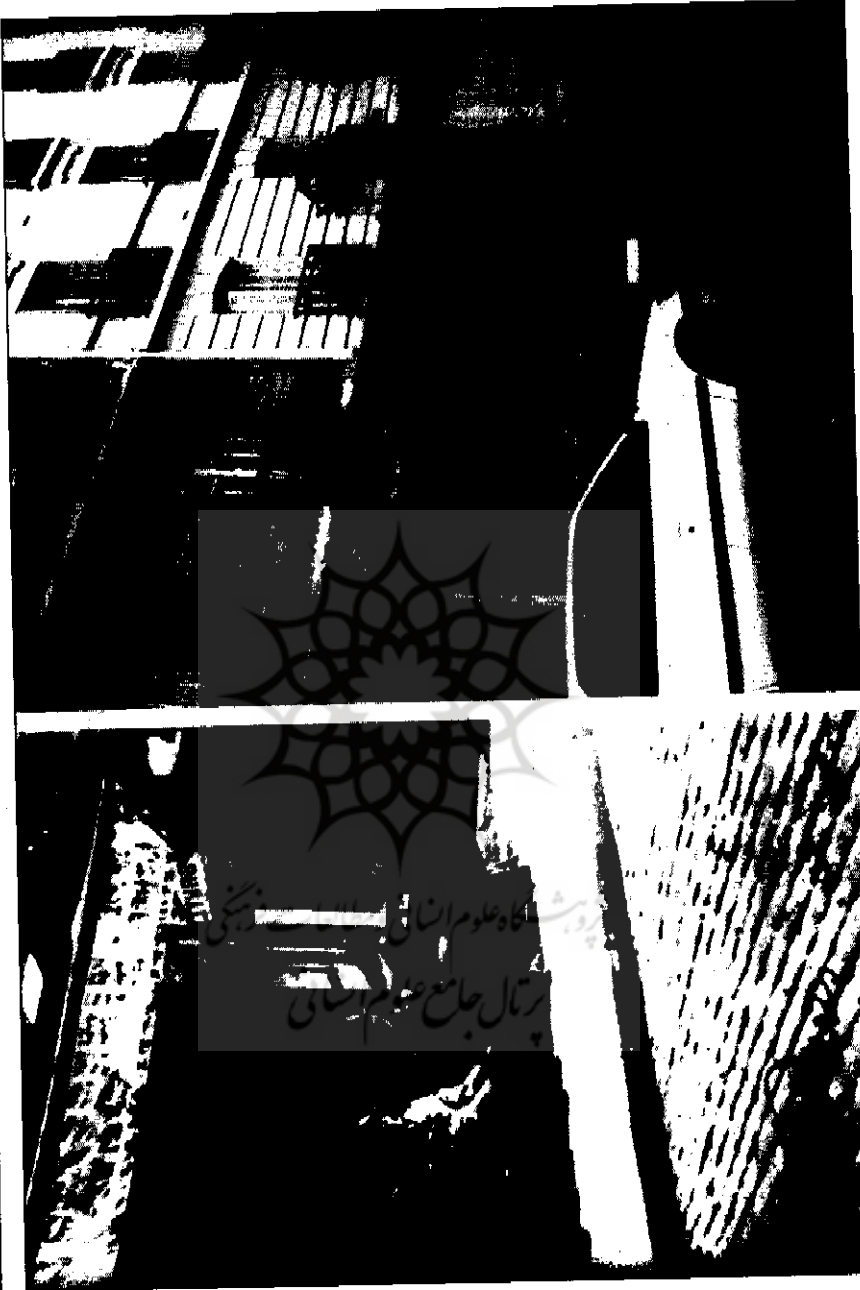
دو شب اقامت در ساختمان ۳۷ مکرز و سپس هیچ...

هدایت صبح روز ششم آوریل ۱۹۵۱ به ساختمان شماره ۳۷ مکرز خیابان شامپیونه وارد می‌شود (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۲۳۶)، و درست در همین موقع است که همه دوستان مقیم پاریس از هدایت بی‌خبر می‌مانند. گاز ساختمان قطع است و هدایت ضمن تهیه یک قابلمه نو، از خانم سرایدار می‌خواهد که ترتیب وصل گاز آپارتمانش داده شود. قابلمه نو هرگونه شک و تردید نسبت به این خواست را از میان می‌برد. آپارتمان همانی است که در سال ۱۹۱۲ و به دست آقای Auger ساخته شده و آنقدر بر سر حیاط و نورگیرش بحث و جدل در گرفته بود. هر قدر تهویه آپارتمان برای زندگی نامناسب بود، برای اشباع کردن آن از گاز شهری امتیاز محسوب می‌شد. این آپارتمان یک اتاق، یک آشپزخانه کوچک که رو به حیاط مشترک باز می‌شد و یک توالت داشت.

۳۴۶

هدایت چه وقت فوت شد؟ آن چه در مدت بسیار کوتاه اقامت هدایت در ساختمان شماره ۳۷ مکرز گذشته است به واقع بر کسی معلوم نیست. روز نهم آوریل سال ۱۹۵۱ پس از ساعت ۴ بعدازظهر او را در آپارتمان کوچک مرده می‌یابند. طبق اظهار سرایدار، بوی گاز روز هشتم آوریل در تمام ساختمان پیچیده بود. بنا بر تحقیقاتی که به عمل آمد، درست‌ترین زمان مرگ وی، شب یا نیمه شب هشتم آوریل ۱۹۵۱ (هفتم آوریل شبانگاه) می‌باشد (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۲۳۶) و (فرزانه، ۱۳۷۲، ص. ۴۲۰) و نه نهم آوریل ۱۹۵۰ (موتی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۵) و یا دهم مارس ۱۹۵۱ (جمشیدی، همان).

هدایت در خیابان شامپیونه بدرود حیات گفت و در ساختمان شماره ۳۷ مکرز، در و پنجره‌ها را بست، همه منافذ و درزها را با پنبه پر کرد، آخرین دستنوشته‌هایش را سوزاند، شیر گاز را گشود و بر روی پتویی که در کف آپارتمان پهن کرده بود دراز کشید و با چهره‌ای آرام به



شکل ۸- صادق هدایت به هنگام سفر اول به پاریس (۱۳۰۹-۵-۱۳۰۵) و مقایسه عکس با ساختمان شماره ۳۷ مکرر (ماخذ: آلبوم عکس های هدایت و نگارنده).

خواب ابدی رفت و جز یادداشتی کوچک^۱ هیچ پیام و نوشته‌ای از خود بر جای نگذاشت؛ شاید همه این‌ها را یک بار در «زنده به گور» شرح داده و نیازی به توضیح دوباره ندیده بود. این نکات تقریباً در تمامی منابع موجود به همین صورت ذکر شده است. آن چه در این میان جالب به نظر می‌آید، تفاوت در ذکر مکان وقوع این حادثه در آپارتمان، در ساختمان و در پاریس است. خودکشی صادق هدایت با گاز در حمام (موتنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵) و (آرین پور، ۱۳۸۰، ص. ۲۸)، در اتاق (موتنی، ۱۳۸۲، ص. ۹۶) و در آشپزخانه (موتنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۵) و (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۷) ذکر شده است. محل آپارتمان هدایت در ساختمان شماره ۳۷ مکرر را در زیر شیروانی (فرزانه، ص. ۴۲۰) و در طبقه دوم (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۶) گفته‌اند. محل ساختمان شماره ۳۷ مکرر و خیابان شامپیونه نیز در بولوار سن میشل (موتنی، ۱۳۸۲، ص. ۱۶۵) و در محله هجدهم پاریس (فرزانه، ۱۳۷۲، ص. ۱۶) آمده و از آن به عنوان یک پانسیون محقر در بولوار سن میشل که هدایت در آن اتاقی داشته هم سخن رفته است (آرین پور، ۱۳۸۰، ص. ۲۸).

همان طور که در بررسی تاریخچه پیدایش خیابان شامپیونه و ساختمان ۳۷ مکرر آمد، خیابان شامپیونه پس از اجرای طرح گسترش پاریس در نیمه قرن نوزدهم در محله هجدهم پاریس ایجاد شد. ساختمان ۳۷ مکرر در سال ۱۹۱۲ و با طرح یک ساختمان کارگری احداث گردید. این ساختمان از ابتدا مسکونی بوده و هیچ‌گاه به طور رسمی «پانسیون» نبوده است.^۲ محل آن هم در شمال پاریس، در محله هجدهم، در ساحل دست راست^۳ است؛ حدود ۵ کیلومتر دورتر از بولوار سن میشل در محله پنجم و ششم پاریس و در جنوب رود سن (ساحل دست چپ^۴). مستندترین خبر از محل آپارتمان هدایت در ساختمان شماره ۳۷ مکرر و نیز نقطه‌ای که جسد وی یافت شده، گزارش روز دهم آوریل ۱۹۵۱ پلیس در این رابطه است (جمشیدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۹۶). طبق این گزارش، آپارتمان هدایت، واحد دست راست (غربی) طبقه دوم ساختمان شماره ۳۷ مکرر، خیابان شامپیونه است. هدایت را در حالی که روی پتویی که در کف آشپزخانه پهن کرده بود، دراز کشیده بوده و خاکستر آثار چاپ نشده‌اش هم در کنارش قرار داشته، پیدا می‌کنند و بعد پیکرش به اتاق مجاور برده شده و روی تختخواب قرار داده می‌شود. سازنده

۱- صادق هدایت - «دبدار به قیامت ما رفتیم و دل شما را شکستیم همین»

۲- هر چند در فرانسه، سنت اجاره دادن ستودیو-آپارتمان و اتاق به شکل پانسیون و نیمه پانسیون، رواج داشته و هنوز هم دارد.



شکل ۹- مزار صادق هدایت در گورستان پرلشز پاریس (عکس از نگارنده).

فیلم «سفر بهاری» نیز برای بازسازی این جزئیات کوشش بسیار نموده است.

خبر مرگ هدایت در روزنامه لوموند مورخ ۱۱ آوریل ۱۹۵۱ منتشر شد. ابتدا قرار بود پیکر هدایت جهت تدفین به تهران انتقال داده شود ولی نهایتاً تصمیم می‌گیرند که هدایت را در پاریس به خاک بسپارند. او که زمانی بیزاریش را از شسته شدن در مسجد پاریس اعلام کرده بود (هدایت، ۱۳۴۴، ص. ۳۱)، گذارش به همان مسجد افتاد و فقط به جای قبرستان مونپارناس^۱ که روزگاری در آن مرده‌ها را به زنده‌ها ترجیح داده و به «خوشبختی» آن‌ها رشک برده بود (همان، ص. ۱۶) در گورستان پرلشز^۲ دفن گردید (شکل ۹).



باران قطع شده و هوا همچنان ابری است. تند تند عکس می‌گیرم و حدس می‌زنم که رنگ پریده‌تر و دلمرده‌تر از آنچه می‌بینم بشود. دوست داشتم این قدر اتومبیل در کنار خیابان متوقف نبود تا راحت‌تر عکس می‌گرفتم. نگاهی دیگر به آخرین منزل هدایت که «کارگری» بود و نه «هنرمندی»، دوباره باران و قدم‌های تند برای بازگشت. فروشندگان بولوار ارنانو مشغول برچیدن بساط خود هستند و من قبل از این که خیلی خیس شوم، می‌خزم به راهروی مترو.

• منابع و مآخذ

۳۵۰

- آرین پور، یحیی، *زندگی و آثار هدایت*، انتشارات زوار، ۱۳۸۰.
- بهارلو، محمد، *نامه های صادق هدایت*، نشر اوجا، ۱۳۷۴.
- جمشیدی، اسماعیل، *خودکشی صادق هدایت*، نشر زرین، ۱۳۷۳.
- دهباشی، علی (به کوشش)، *یاد صادق هدایت*، نشر ثالث، ۱۳۸۰.
- فرزانه، م. ف.، *آشنایی با صادق هدایت*، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- مونی، ونسان، *صادق هدایت*، ترجمه حسن قائمیان، ۱۳۸۲.
- هدایت، جهانگیر (به کوشش)، *از مرزاترزا، مجموعه کارت پستالهای صادق هدایت*، نشر چشمه - گرافیک دید، ۱۳۸۰.
- هدایت، جهانگیر (به کوشش)، *حسرتی، نگاهی و آهی*، مجموعه عکس های صادق هدایت، نشر چشمه - گرافیک دید، ۱۳۷۹.
- هدایت، صادق، *درباره ظهور و علامت ظهور*، به کوشش حسن قائمیان، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۳.
- هدایت، صادق، *زنده بگور*، چاپ هفتم، کتابهای پرستو، ۱۳۴۴.
- همایون کاتوزیان، *محمدعلی، صادق هدایت و مرگ نویسنده*، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- همایون کاتوزیان، *محمدعلی، هدایت از افسانه تا واقعیت*، ترجمه فیروزه مهاجر، طرح نو، ۱۳۷۲.

- Archives de Paris, Permis de construire délivrés entre 1880 et 1930, Documents existants pour la rue Championnet, Cotes : V.011 1 à 4028.

- Archives de Paris, Plans " statistiques " de voirie, Documents existants pour la rue Championnet, Cotes : 1696W 1 à 627, 60350/44/1 - 1 à 734.

- Archives de Paris, Plans cadastraux - Plans parcellaires, Documents existants pour la rue Championnet, Cotes : D.GP2 2, 4 et 8 ; Plans 3394 ; 3312/63/1 - 1 à 52 et 3312/67/1 - 1 à 70 ; 11F1 1742 à 4996.

- Lotfi, Sahand, "Sâdeq Hedayat et 37 bis Rue Championnet", Article préparé pour le séminaire d'Histoire de la grande ville à l'époque contemporaine, DEA Aménagement de l'Espace - Urbanisme, Université Paris X, Juin 2003.

- Merlin, Pierre, *L'Urbanisme*, PUF, Collection "Que sais-je?", 2002.

- Pinon, Pierre (sous la direction), *Paris - Haussmann, Le Paris d'Haussmann*, Pavillon de l'Arsenal, 1991.

- Pinon, Pierre, *Atlas du Paris Haussmannien*, Parigramme, 2002.

- Ragon, Michel, *Histoire de l'architecture et de l'urbanisme modernes*, édition du Seuil, 1991.

- Rauzy, Monique, *Georges-Eugène Haussmann*, édition Hatier, 2002.